

تجمع بازنشستگان مخابرات ایران در برخی استان‌ها

روز دوشنبه (۱۷ دیبهبشت) بازنشستگان مخابرات ایران در اعتراض به عدم اجرای کامل آیین‌نامه ۸۹، عدم به‌روزرسانی خواربار و رفاهیات فریز شده و مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی در کردستان، اصفهان، آذربایجان شرقی، گیلان، کرمانشاه، تهران و برخی دیگر از استان‌ها تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمعات بازنشستگان ۹ درصد قبل از خصوصی‌سازی هم خواهان همسان‌سازی حقوق خود با همکاران شاغل شدند.

■ ■ ■

کارگران رسمی نفت خواهان برداشتن سقف حقوق شدند
روز یکشنبه (۱۶ شهریور) کارگران عملیاتی نفت فلات قاره در منطقه خمارک و همچنین کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، در اعتراض به محدودیت‌های مزدی برای چندمین بار دست‌به‌تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران مدت‌هاست که با هدف حذف محدودیت‌ها و بهبود وضعیت حقوقی خود، مطالبه‌گری می‌کنند. یکی از کارگران نفت و گاز آغاچیری، در بیان مطالبات این کارگران گفت: اصلاح حقوق حداقلی کارکنان، حذف کامل سقف حقوق عملیاتی‌ها، حذف سقف سنوات بازنشستگی، عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین، اجرای کامل ماده ۱۰ پرداخت کامل یک‌بی‌واستقلال کامل صندوق بازنشستگی نفت جزو خواسته‌های ماست.

■ ■ ■

کارکنان حل اختلاف اهواز، حقوق مراد را طلب دارند



کارکنان شورای حل اختلاف اهواز گفتند: روز هفده شهریور هم گذشت و هنوز حقوق مراد برخی از کارکنان واریز نشده. حقوق باقی‌نیروهاهم این‌ماه‌با دوازده‌روز تأخیر واریز شده‌است. این کارکنان در گفت‌وگو با ایلنا گفتند: عدم واریز به موقع حقوق و حق بیمه باعث قطع خدمات درمان شده و اگر در طول این مدت نیرویی نیاز به خدمات پزشکی داشته باشد، مجبور است سفر تا صد هز بنه‌ای در مان‌را از جیب بردارد. این افراد گفتند: ماه گذشته نیز بیمه خرداد ماه، بیستم مراد پر داخت شد اما تا امروز بیمه تیر ماه واریز نشده‌است.

■ ■ ■

مشکل سابقه بیمه نیروهای مخابرات حل شد

چندی پیش نیروهای مخابرات ایران با اشاره به عدم پرداخت حق بیمه خود از سوی مخابرات ایران به تأمین اجتماعی، نسبت به مشکلاتی که برای آنها پهمندی از خدمات درمان برای آنها پیش آمده بود، ابراز نگرانی کردند. این مشکل با توافق مخابرات ایران با تأمین اجتماعی رفع شد و تأمین اجتماعی منع استفاده از خدمات درمان را برای نیروهای مخابرات تا مدتی معین برداشت. با این حال نیروهای در شرف بازنشستگی تا مدت‌ها نگران لطمه خوردن به سوابق بیمه‌ای خود بودند.

«محمدعلی مظلومین» رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی کارگری مخابرات استان تهران در گفت‌وگو با ایلنا از تهاات این بدهی خبر داد و گفت: براساس اطلاعات منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی کلال و دو بی‌پیگیری‌های انجمن صنفی و مکاتبات متعدد با شرکت مخابرات، موضوع تهاات املاک در قبال بدهی‌های معوق بیمه تأمین اجتماعی کارکنان شرکت مخابرات ایران، در دستور کار قرار گرفت. وی بیان کرد: طبق اطلاع‌رسانی انجام‌شده دو ملک متعلق به مخابرات ایران بادهی‌های شرکت به تأمین اجتماعی بابت بیمه‌های معوق کارکنان تهاات شده‌است.

رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی کارگری مخابرات استان تهران گفت: اگر چه این اقدام منجر به حل بخشی از مشکلات کارکنان در حوزه بازنشستگی و ثبت سوابق بیمه‌ای شده و برای همکاران در آستانه بازنشستگی گشایش‌هایی را به همراه آورده اما از منظر حفظ دارایی‌های شرکت، واگذاری املاک ارزشمند به عنوان ابزاری برای پرداخت بدهی‌ها، اقدامی زیان‌بار و مغایر با منافع بلندمدت شرکت و کارکنان آن محسوب می‌شود. مظلومین گفت: با وجود افزایش درآمدهای شرکت ناشی از تغییر در نحوه محاسبه قیوض و افزایش اوبمان خطوط، چنین تصمیماتی می‌تواند به منزله تضعیف سرمایه‌های سازمان و تضییع حقوق کارکنان تلقی شود.

■ ■ ■

مرگ دو کارگر چاه‌کن در اطراف تهران
روز یکشنبه (۱۶ شهریورماه) دو کارگر هنگام حفر یک حلقه چاه در محله قاسم‌آباد تهران جان خود را از دست دادند. به گزارش ایلنا، جلال ملکی گفت: روز یکشنبه یک مورد گرفتار شدن داخل چاه به آدرس جاده خاوران محله قاسم‌آباد تهران به سازمان آتش‌نشانی اعلام شد و ماموران ۲ ایستگاه به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: پس از حضور آتش‌نشانان در محل حادثه، معلوم شد در یک زمین بایر، چاهی به عمق ۶ حفر شده و دو کارگر در عمق چاه بیهوش گرفتار شده بودند. به گفته سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران، آتش‌نشانان پس از ایمن‌سازی کامل وارد چاه می‌شوند و دو کارگر افغان که یکی ۲۵ ساله و دیگری ۲۵ ساله بود را از درون چاه بیرون و تحویل عوامل اورژانس می‌دهند. وی خاطرنشان کرد: به تشخیص عوامل اورژانس به دلیل شدت جراحات وارد متاسفانه این دو کارگر جان خود را از دست داده بودند.

■ ■ ■

طرح استیضاح وزیر کار با ۵۸ امضا کلید خورد
سخنگوی هیئت رئیسه مجلس از رای‌ج‌اج طرح استیضاح «احمد میدری» وزیر کار به هیأت رئیسه مجلس خبر داد. عباس گودرزی در گفت‌وگو با تسنیم گفت: تاکنون ۵۸ نفر از نمایندگان این طرح را به امضا رسانده‌اند.

تسرن هزاره مقدم

از سفیدابه و ایست بازرسی کوله‌سنگی که رد می‌شوی، هرم سوزان فقر توی صورتت می‌زند و همه چیز بوی فقر می‌دهد. دکمه‌های فروش بنزین و سوخت کنار جاده، ماشین‌های سوخت‌بری که با آخرین سرعت می‌تازند و عقب‌شان جوان‌ها با گالن‌های رنگ و روخته، آفتاب‌سوخته و در محاصره بنزین قابل اشتعال، به مرز خیره شده‌اند و کودکان پنج، شش ساله‌ای که از شدت فقر زیاده، دستشان ماهری دارند، سوخت‌کشی می‌کنند و گالن گالن بنزین به ماشین‌ها می‌فروشند؛ فقر در این جاده پیداد می‌کند.

اگر دوراهی زابل بایستی و به دور و برت نگاه کنی، هیچ نشانه‌ای که بتوان نامش را «توسعه» گذاشت، نمی‌بینی. همه چیز در شعله‌های بی‌توجهی و ناکامی سوخته است؛ نه زابل و نه زاهدان، هیچ‌کدام در ۲۰ سال اخیر، قدمی به جلو نگذاشته‌اند و برای اثبات این ادعا چه نشانه‌ای بالاتر از هامون سوخته و دشت‌های به خشکی نشسته و کودکانی که در گرمای سوزان ۵۰ درجه، بنزین خرید و فروش می‌کنند. زاهدان به عنوان مرکز یک استان پهناور، سهمی از صنایع و توسعه ملی ندارد. شهرک صنعتی این شهر بزرگ مدت‌هاست در اغما فرو رفته و کارگر صنعتی در این شهر معنای خود را گم کرده‌است. زاهدان بیش از دو دهه‌است لباس فقر پوشیده و بخش بزرگی از مردم حتی قشر نخبه و تحصیل‌کرده، ناچاراً دست به مهاجرت زده‌اند اما وضعیت سیستان به مراتب بدتر است. زابل در آتش بی‌توجهی، فراموشی و خشکسالی به معنای واقعی کلمه خاکستر شده‌است.

سیستان خاکستر نشین

سیستان روزگاری نه چندان دور، سیلوی گندم شرق کشور بود، رقص زیبای خوشه‌های زرد رنگ گندم در آفتاب پاک سیستان بدون ریزگردها و خشکسالی، به راستی تماشایی بود. محلی‌های سیستان و بلوچستان هنوز به یاد می‌آورند، نان‌های باکیفیت سیستانی و ماهی‌های بزرگی که توتن‌ها از تالاب هامون صید می‌کردند. آن زمان، روزی در زابل فراوان بود ولی حالا جز بیکاری، خشکسالی و ریزگرد چیزی باقی‌مانده است. خیلی‌ها از سیستان رفتند. دهه ۸۰ با خشکسالی دریاچه هامون، موج مهاجرت آغاز شد. اول کشاورزان و دامداران و صیادان رفتند، بعد مغازه‌دارها و کاسب‌ها و زابل به خواب مرگ افتاد.

«احمد» ۲۰ سال پیش از زابل به مقصد گرگان مهاجرت کرده. او معتقد است که چاره‌ای برایش نمانده بود باید می‌رفت: «ما کشاورز بودیم، گندمکار اما با خشکسالی مجبور به مهاجرت

از بین رفتن ۸۰ درصد کشاورزی سیستان

«یونس دهمرده» فعال مدنی مقیم زابل در مورد بیکاری بالا در این منطقه و نابودی کشاورزی، دامداری و صیادی می‌گوید: مردم ما اینجا بالای ۸۰ درصد



گفت و گو

مدیر کل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی:

بیکاری ۲۵درصدی در سیستان یک دروغ بزرگ است

یارانه نبود، خیلی‌ها نان هم نداشتند



واندکی از آن ۸۰درصد که توانسته‌اند شغل آزادی برای خودشان دست و پا کنند، باقی‌بیکارند یا با یارانه زندگی می‌کنند.

او با بیان اینکه «مهاجرت در این منطقه سر به فلک کشیده» ادامه می‌دهد: شما به شمال شهرستان هیرمند که حاشیه تسالاب هامون است، بروید. آنجا زمانی کلی جمعیت داشت اما حالا در روستاهایی مثل ملاعلی‌عبدی می‌دانم حتی ۱۰ خانوار

هم زندگی کنند. شرایط در این منطقه واقعاً آخرالزمانی هست. برای آنهایی که ندیده‌اند، باور کردنی نیست. تالاب هامون به یک بیابان صردرصدی تبدیل شده و اگر بخواهم به دخترم یگویم روزگاری اینجا تالابی با آن وسعت وجود داشته، حتماً باور نمی‌کند. بالای ۸۰درصد کشاورزی سیستان از بین رفته. پدر خودم در شهرستان هیرمند ۳۰۰ هکتار زمین دارد اما عملاً ۱۵ سال است که یک قران از این زمین‌ها در آمد ندارد چون آب نیست.

کارخانه‌هایی که هرگز افتتاح نشدند

کشاورزی و دامداری تعطیل شد، اما صنایع چی؟ آیا دولت به فکر اشتغال جایگزین برای انبوه مردمان محلی نیفتاد؟ دهمرده در مورد صنایع و کارخانجات محلی می‌گوید: در حال حاضر کارخانه‌فعلی در این منطقه وجود ندارد. دولت روحانی برای ساخت دو تا کارخانه بزرگ، یکی کارخانه لاستیک و دیگری کارخانه کاشی و

نخبه از سیستان رفتند، چون امکانات نیست، مدرسه خوب نداریم، پارک خوب نداریم و هیچ چیز نداریم. اساتید دانشگاه و کارمندان هم گروه‌گروه از اینجا می‌روند.

دهمرده در پایان به مسأله حقایه هیرمند اشاره می‌کند و این امید واهی که افغانستان روزی حقایه ایران را بدهد. او می‌گوید: آب را به بیابان منحرف کردند و به ایران ندادند. هامون امروز فقط کانون ریزگردهاست و نفس مردم را بند آورده.

مردم بیکارند

«حسینعلی اکبری» دبیر اجرایی خانه کارگر سیستان و بلوچستان نیز در مورد بیکاری نیروی انسانی وی توجهی به منطقه سیستان می‌گوید: سیستان عملاً صنعت و کارخانه ندارد. فقط یک کارخانه ریسندگی و بافندگی سیستان داریم که عملاً با ۳۵ درصد ظرفیت کار می‌کند و نیروهایش هم تک و توک بیمه نیستند. این کارخانه اگر با ظرفیت کامل کار کند، ۵۰۰ نفر کارگر سر کار می‌روند. شرایط خیلی بدی داریم. تا زمانی‌که دریاچه هامون زنده بود، کشاورزی و دامداری داشتیم، حالا هیچی.

اودر مورد کارخانه‌هایی که در مرحله کلنگ‌زنی متوقف شده‌اند، می‌گوید: چیزی به نام پیشرفت یا توسعه در سیستان نیست. پیشرفت کارخانه‌هایی که کلنگ زدند، بعد از ۲۰ سال حتی به ۵درصد هم نرسیده. ما ندیدیم برای اشتغال در این منطقه کار زیربنایی انجام شود. حتی از پتانسیل مرز هم استفاده نشده‌است. مرز و بازارچه مرزی برای افراد خاص است اما برای قشر کارگر نان و آبی ندارد.

اکبری می‌گوید: اینجا کار نیست. وقتی کار نیست چطور صحبت از نرخ بیکاری کنیم، مثلاً وارد یک روستادر سیستان می‌شویم با ۱۰ خانواده، نه کشاورزی هست و نه چاه آبی. بیرون روستاها هم صنعتی نیست. در واقع همه مردم بیکارند. از دید من، فقط یکی دو درصد در کار سوخت و بازارچه هستند. تعدادی هم کارمند هستند اما در حقیقت بالای ۸۵درصد مردم بومی اینجا بیکارند. کارگران اکثرآبیکارند به جز تعداد بسیار محدودی که برای کار ساختمانی می‌روند.

از دوراهی زابل به هر طرف که بروی، جز فقر چیزی نمی‌بینی. در زاهدان، بیکاری و ناداری و سوختفروشی بیداد می‌کند و سیستان یک زمین سوخته‌است.

محرومیت هزار چهره دارد اما وقتی باد گرم زابل به صورتت می‌خورد و ریزگردها راه نفس کشیدن‌ات را می‌بندد، وقتی در اقق به «خشکسالی بزرگ» خبره می‌شوی، در دناک‌ترین چهره معروفیت را می‌بینی. اینجا مردم برای روزی به هر دری می‌زنند اما خیلی حافظه یا یارانه زندگی می‌کنند.

اینکه آمار بیکاری سیستان ۲۵درصد اعلام می‌شود، دروغ بزرگی است. اینجا جز آدم‌هایی که شغل دولتی دارند و اندکی از آن ۸۰درصد که توانسته‌اند شغل آزادی برای خودشان دست و پا کنند، باقی‌بیکارند و یا یارانه زندگی می‌کنند

دهمرده، سوخت‌بری را تنها راه‌امرار معاش برخی جوانان بومی می‌داند، راهی بسیار خطرناک که قمار جان بر سر لقمه‌ای نان است. او می‌گوید: مرز هم سه کار مردم نمی‌آید. برای آدم‌های خاص فعال است اما برای مردم عادی نه. من روزی به استاندار گفتم به عنوان یک آدم عادی بایبید مرز ببینید می‌توانید یک تلویزیون جابه‌جا کنید. مطمئناً نمی‌توانید، چون مردم عادی نمی‌توانند.

این شهروند می‌گوید: حتی قشر

خبر

تاجیک تأکید کرد:

ضرورت برگزاری فوری جلسه شورای عالی کار برای بازنگری در مزد



زندگی را ندارند. افزایش اجاره‌بها به‌تنهایی بخش بزرگی از دستمزد کارگران را می‌بلعد و عملاً چیزی برای سایر نیازهای خانوار باقی نمی‌گذارد. تاجیک تأکید کرد: مطابق ماده ۴۱ قانون کار، شورای عالی کار موظف‌است دستمزد کارگران را متناسب با نرخ تورم و هزینه‌های معیشتی روز به‌روز تغییر وقتی شرایط اقتصادی به‌سرعت تغییر می‌کند و قیمت کالاها و خدمات هر روز بالا می‌رود، دیگر نمی‌توان با دستمزدی که ماه‌ها قبل تعیین شده، زندگی کرد. برگزاری فوری جلسه شورای عالی کار برای بازنگری مزدهم‌رورتی‌انکار ناپذیر است. تاجیک افزود: با توجه به عدم کنترل قیمت‌ها و رشد تورم ضرورت دارد که جلسات شورای عالی کار با نظم بیشتری برای رسیدگی به معاش کارگران تشکیل شود.

برگزاری جلسه شورای عالی کار برای بازنگری مزد، گفت: امروز کاهش

صده‌قدردت خرید کارگران به مرحله‌ای رسیده که بسیاری ناچار به صرفه‌جویی در خوراک و معاش روزانه خود شده‌اند و این شرایط در

شان جامعه کارگری کشور نیست.

وی با اشاره به رشد تورم و گرانی‌های افسار گسیخته افزود: کارگرانی که در آمدشان ثابت‌مانده، توانایی تأمین هزینه‌های ضروری